

کار بزرگ توسط انسان‌های سترگ به نتیجه می‌رسد

باشگاه تجربه
سعید فاتقی



روز ۳۰ مهرماه روز کوهنورد نامگذاری شده. به همه کوهنوردان علی‌الخصوص فاتحان قله اورست این روز را تبریک عرض می‌کنم. هیمالیانوردان این مرز و بوم کاری بس بزرگ و سترگ را در فتح قله اورست انجام دادند. هیچگاه مظلومیت آن بزرگواران را که برای اولین‌بار عازم این مسافرت بودند فراموش نمی‌کنم؛ بدون داشتن کمترین امکانات. بودجه کافی نداشتند اما امیدوار بودند بتوانند در اولین ایستگاه صعود به صورت دست دوم برخی اقلام ضروری صعود را تهیه نمایند. ما برای خرید اقلام نو اعتبار لازم را نداشتیم. یادم هست برادر بسیار ساعی و کوشا جناب صادق آقاجانی ریاست محترم فدراسیون وقت که خود نیز در جمع صعودکنندگان بود به هر دری زد که بتواند حداقل امکانات را مهیا نماید اما با همه تلاش‌های صورت گرفته آنچه را توانسته بود تدارک ببیند برای صعود گرچه لازم بود، اما کافی نبود. در فرودگاه مهرآباد که برای بدرقه رفته بودم به‌زور جلوی اشکم را گرفتم. یادم هست بلافاصله بعد از اینکه عزیزان سوار هواپیما شدند یک دل سیر گریه کردم که نتوانسته بودم در حدلیاقت آن بزرگواران امکانات در اختیارشان بگذارم. به صادق عزیز عرض کردم «صادق جان، وقتی بالای قله رسیدی همه دنیا را خواهی دید، تو سعادت آن را خواهی داشت. گرچه عزم و اراده شما را برای رفتن خیلی از عزیزان ندیدند اما سختکوشی شما برای تحقق رویای صعود قابل ستایش است و کسی جز خود شما قادر به دیدن عظمت آن واقعه نیست.» چند روز مانده به صعود خدا شاهد است دل تو دلم نبود. بسیار نگران بودم یک شب خواب عجیبی دیدم که آقای آقاجانی در قله اورست یخ زده، هراسان از خواب پریدم و از آن لحظه شروع کردم به گرفتن تماس به‌طوری که حوالی ساعت ۱۱ همان روز خبر صعود را دریافت کردم، علی‌الخصوص که تیم ما نتوانسته بود رکورد آخرین مرحله را بشکنند و در سریع‌ترین زمان ممکن به قله رسیده بودند. پرچم پرافتخار کشور عزیزمان در بلندترین قله جهان به اهتزاز درآمده بود و این برای ما بسیار ارزشمند بود. این عزیزان راه را هموار کردند به‌طوری که بارها و بارها تیم‌های جمهوری اسلامی ایران از جبهه‌های مختلف و متعدد اورست را فتح کردند و افتخار و رکورد صعود اولین دختر شیعه به نام کشور عزیزمان به ثبت رسید و بزرگ انسان وارسته، محمد اوراز بعد از صعود به اورست جان خود را در راه صعود به گاش بروم از دست داد. در هر صورت کار بزرگ توسط انسان‌های سترگ به نتیجه می‌رسد. یاد و خاطره همه آنهایی که در این راه جانفشانی کردند گرامی باد.

لیگ یک

نظر محمدی از رایکای بابل جدا شد

باشگاه رایکای بابل با انتشار بیانیه‌ای از سرمربی مستعفی خود انتقاد و برای او آرزوی موفقیت کرد. باشگاه رایکای بابل پس از درگیری هواداران نیشم با علی نظرمحمدی و استعفای این مربی، بیانیه‌ای به این شرح صادر و جدایی او را تأیید کرد: «سال گذشته به‌غایت سخت سپری شد، اما خوشحال بودیم که سهمیه لیگ دسته اول در بابل باقی ماند اما باشگاه رایکا در نخستین اقدام خود بلافاصله پس از اتمام لیگ، گزینه‌های مدنظر خود را ارزیابی کرد و تصمیم هیأت‌مدیره باشگاه رایکا بر ادامه همکاری با علی نظرمحمدی بود و امیدوار بودیم بعد از فراهم کردن همه امکانات لازم و خواسته‌شده توسط کادر فنی، با یاریگیری خوب و آغاز زودهنگام تمرینات پیش فصل تیم رایکا، دل شما هواداران عزیز را شاد کنیم اما نشد. نشد و حکایت این نشد‌ها حکایت تلخی است. اول لازم می‌دانیم بابت این نشد‌ها از همه شما عذرخواهی کنیم و همه‌توان خود را به کار گیریم تا در فصل پیش روتیمی قدرتمند را روانه مسابقات کنیم تا از حیثیت فوتبال بابل و استان مازندران دفاع کنیم. دوم اینکه با بررسی دقیق اتفاقات باشگاه در یک ماه گذشته و استفاده از نظرات کارشناسان و اهالی فن و با عنایت به

- ۱- جذب بازیکنان ضعیف و ناکارآمد
- ۲- اهمال در وظایف کادر فنی
- ۳- رفتارهای خلاف شأن کادر فنی در نقل و انتقالات و حضور سؤال‌برانگیز چند تن از بازیکنان گمنام
- ۴- شکست‌های پی‌درپی در بازی‌های دوستانه مقابل تیم‌هایی از لیگ‌های پایین‌تر

اعضای هیأت‌مدیره با در نظر گرفتن مصالح باشگاه و لزوم اقدام سریع برای جلوگیری از وارد آمدن ضربات بیشتر بر پیکره باشگاه، طی جلساتی این مسائل را به آقای علی نظرمحمدی گوشزد کرده بودند اما ایشان توجهی به این موضوع نکرد تا اینکه اعتراضات هواداران تیم رایکای بابل شدت گرفت و آقای نظرمحمدی هم مثل همیشه به کسی پاسخگو نبود و استعفای خود را از باشگاه رایکای بابل اعلام کرد.»



از وحید فاضلی تا وحید بیاتلو

پرتاب مربیان بی تجربه به لیگ بیستم

گزارش
وصال روحانی



شاید وحید فاضلی که سرمربی نساجی قائمشهر شده و وحید بیاتلو که زمامداری ماشین‌سازی را در دست گرفته، در بسته‌ترین و غیرقابل تخمین‌ترین سرمربیان لیگ بیستم فوتبال کشور باشند که آغاز آن تا ۱۶ آبان به تأخیر افتاده است. برای اولین‌بار است که سیدمهدی رحمتی (در شهر خودرو)، محمد ربیعی (در مس رفسنجان) و محرم نویدکیا (در سپاهان) پست اول کادر فنی را در لیگ برتر تجربه می‌کنند و این شامل رحمان رضایی در ذوب آهن هم می‌شود، اما لااقل از آنها پیشینه‌ای طولانی‌تر و روشن‌تر در صحنه فوتبال مان در دست است به همین سبب بهتری می‌توان درباره آنها اظهار نظر و در خصوص احتمال توفیق شان رایزنی کرد. نویدکیا حتی سه سال و اندی پیش بعد از بالا گرفتن بحران‌ها برای زلاتکو کرانچار در سپاهان، برای یکی دوبازی عنان هدایت این تیم را به‌طور موقتی در دست گرفت و سیدمهدی رحمتی هم به‌رغم بی‌تجربه بودن در حرفه مربیگری، پشتوانه قریب به ۲۵ سال حضور در سطح اول فوتبال کشور و آسیا را دارد و رحمان رضایی با وجود دستیار بودنش در چند تیم طی سال‌های اخیر به لطف سال‌ها بازی در ایتالیا و کار در باشگاه‌های مطرح داخلی مهره‌ای کاملاً غیرقابل پیش‌بینی و چند وجهی نیست و ابزار زیاد موجود برای او در فولادشهر چیزی نیست که یک ناکامی قطعی را برای وی گواهی بدهد.

اندوخته‌های ناکافی

با این اوصاف و مقدمات، در بسته‌ترین هندوانه‌های فصل بیستم لیگ برتر فوتبال ایران همانا وحید بیاتلو و وحید فاضلی هستند. اولی ماشین‌سازی را در شرایطی تحویل گرفت که پس از جدایی رسول خطیبی از این باشگاه تیریزی در پایان نیم فصل لیگ نوزدهم، جانشینان نه چندان موفق وی چنان سریعاً آمده و رفته بودند که ابقای ماشین‌سازی در لیگ و فرارش از سقوط به دسته‌ای پایین‌تر از شگفتی‌های آن مسابقات تلقی شد. دومی (فاضلی)، هم در شرایطی در قائمشهر به قدرت رسیده که کمترین زمان را برای وفق یافتن با پست تازه‌اش و مسئولیت‌های مرتبط با آن دارد. انتقال ضربتی محمود فکری به تهران و استقلال به قصد واگذاری پست سرمربیگری این تیم بر مسئولیت پایتخت به وی، سران نساجی را مقابل یک عمل انجام شده قرار داد و چاره‌ای جز این باقی نگذاشتند که سران باشگاه به سراغ یکی از دستیاران او که همانان وحید فاضلی است بروند. فاضلی ۳۸ ساله که متولد تهران اما آذری‌زبان است، در یک فوج تیم «کمک مربیگری» کرده و چند تای آنها همان باشگاه‌هایی بوده‌اند که فکری در همان مقطع سرمربیگری آنها را بر عهده داشته و تنها تیم‌هایی که فاضلی در آنها به سرمربیگری ارتقا یافته، نوژن ساری، شهرداری انزلی و کاوه تهران بوده‌اند که تیم‌های لیگ یک و دو هستند. درست است که کار در امثال خیبر، نفت مسجد سلیمان، شاهین بوشهر، سرخپوشان، خوشه طلایی و آلمینیوم اراک خبر از باتجربه بودن فاضلی

در عین جوانی وی می‌دهد، اما او در هیچ یک از این تیم‌ها سکندار اصلی نبوده و فقط نقش‌های دوم و سوم را ایفا می‌کرده و یکی از اعضای کادر فنی و گاه دستیار اول بوده است. اینکه چنین فردی چگونه می‌خواهد خودش را به سرعت با تجربه هدایت یک تیم در لیگ برتر همسو و ظرفیت‌های این کار سخت را برای خود ایجاد کند، مسأله‌ای است که برای بسیاری از ناظران، ناروشن و مبهم می‌نماید و معیار دقیق و صحیحی برای تشخیص آن وجود ندارد. فاضلی دانشجوی دکترای رشته فیزیولوژی و قطعاً مردی اهل مطالعه و تحقیق و کار و حرکت به سمت جلو است اما اینها تنها ابزار کسب موفقیت در مهم‌ترین و سخت‌ترین دسته لیگ فوتبال کشور به حساب نمی‌آیند و باید تجربیات کلان و گران و اندوخته‌های بیشتری در این سطح داشت تا تیمی را در صحنه لیگ نگه داشت که به‌رغم نتایج عالی فکری در نیم فصل دوم فصل گذشته لیگ برتر و بی شکست ماندن در آن مقطع زمانی، با انواع تهدیدها و احتمالات جدید در فصل تازه مواجه است و به واسطه تغییر دیر هنگام کادر مربیگری‌اش لاچرم یکی از کاندیداهای سقوط پیش از آغاز مسابقات و در آستانه شروع معرکه‌های لیگ بیستم به حساب می‌آید.

فال نیک مضر؟!

تغییر نسل نسبی در جمع مربیان لیگ و رویکرد به مربیان جوان‌تر برای لیگ امسال، مسأله‌ای است که همگان به فال نیک گرفته‌اند و به‌واقع نیز آمدن این چهره‌های تازه و افکار نوین شان می‌تواند فوتبال‌های تکراری شده و بیش از حد تدافعی ما را که در ادوار اخیر لیگ اسباب کسالت‌های وسیع می‌شد، برچیند و بازی‌هایی بالنسبه مدرن‌تر، مؤثرتر و تماشایی‌تر را به جای آن بنشاند، ولی این امر مثل یک شمشیر دولبه عمل می‌کند بنابراین می‌تواند اثر عکس بگذارد و نتایج ضعیفی را رقم بزند که برخی تیم‌های لیگ را به در درسر انداخته و احتمال سقوط شان را تقویت کند. در لیگی که به درست یا غلط به بازی‌های احتیاطی و نمایش‌های فرسایشی به قصد کسب حداقل اطمینان و باقی ماندن در صحنه و فرار از سقوط به دسته‌های پایین‌تر عادت کرده، دادن شعارهایی در جهت نفی این حالات و تلاش برای ارائه فوتبال‌های پیشرفته فنی و تهاجمی تر ریسکی است که اگر ثمر ندهد باشگاه‌ها را مستأصل و سرمایه‌گذاران را خانه خراب خواهد کرد. اینکه پس از سال‌ها جولان تعدادی چهره‌های آشنا و همیشگی و تکراری در جمع مربیان و جابه‌جاشدن دائمی آنها در بین تیم‌ها و فقدان ایده‌های جدید امسال تعدادی مربی جدید و فاقد سابقه کار در لیگ برتر (ولی مجهز به برنامه‌های مدرن‌تر) سکندار شده و ۶ مربی برای اولین بار در این عرصه سرمربیگری می‌کنند، واقعه مثبتی است اما نیمه خالی لیوان و قسمت منفی ماجرا این است که احتمال دارد با جواب ندادن این افراد و ایده‌هایشان فوتبال ما و باشگاه‌های آن به دور تازه‌ای از نگاه‌های سنتی به لیگ رجعت کنند و یک بار دیگر شاهد رفت و آمد همان مربیان قبلی در لیگ و رجعت سیستم‌های قدیمی آنان باشیم؛ مربیانی که همین حالا هم بیرون گود نشسته‌اند و مترصد فرصت‌اند تا با وقوع اولین ناکامی‌ها در برخی تیم‌ها در ۱۰ هفته اول لیگ بیستم جای مربیان ناکام آنها را بگیرند و تجربه بیشتر و سن افزون‌تر خود را وسیله توجیه این قضیه قرار دهند و این را رویدادهای غیر قابل اجتناب و منطقی و آینده‌ساز جلوه بدهند.